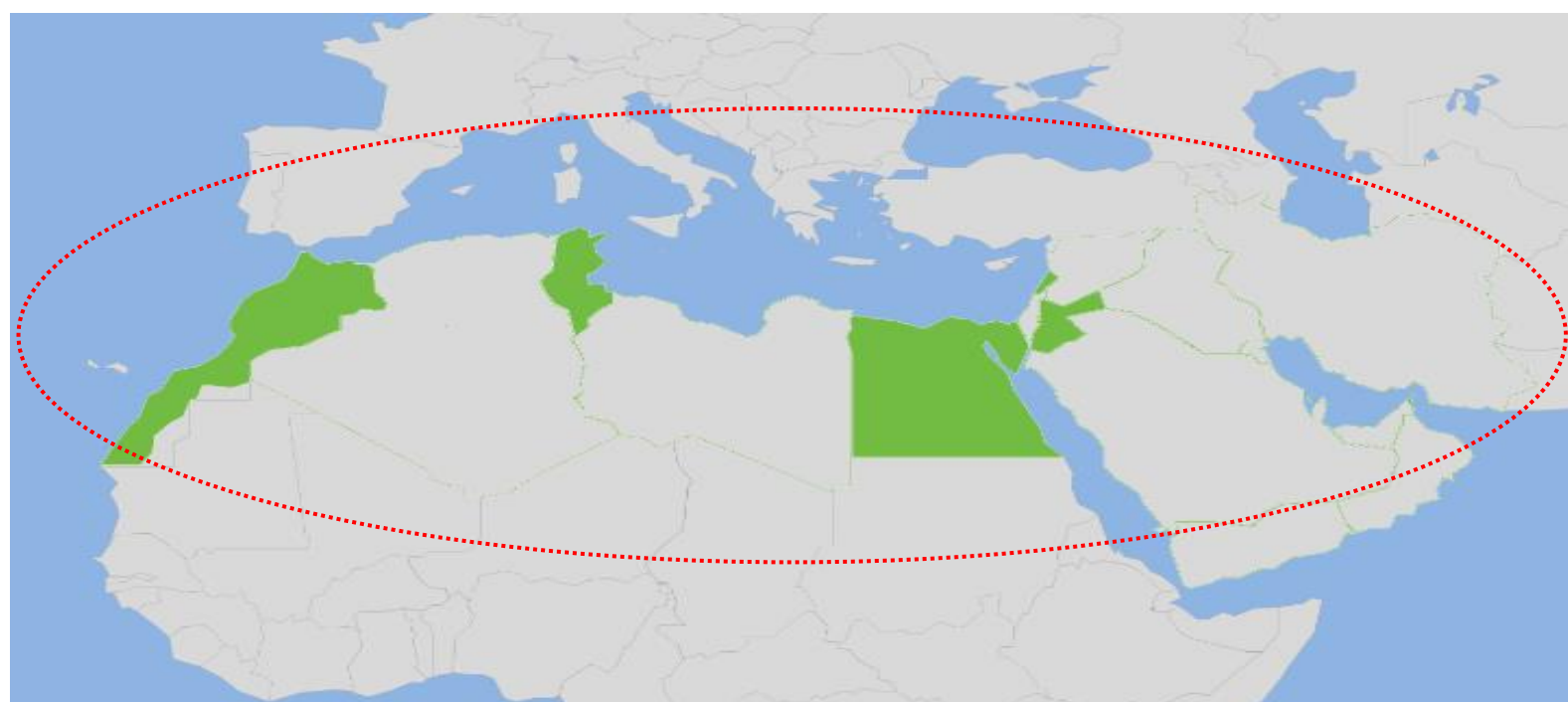




اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی تهران
معاونت بررسی‌های اقتصادی

محدودیت‌های محیط کسب و کار و تاثیر آن بر اشتغال در منطقه

MENA



گزارش حاضر به شناسایی محدودیت‌های اصلی ایجاد اشتغال در بنگاه‌های منتخب منطقه MENA در مقایسه با بنگاه‌های سایر مناطق جهان می‌پردازد. نتایج نشان می‌دهد که بنگاه‌های کوچک این منطقه، نسبت به بنگاه‌های مشابه در مناطق دیگر با محدودیت‌های ساختاری بیشتری روبرو هستند. همچنین ایجاد اشتغال کمتر توسط بنگاه‌های MENA می‌تواند تا حد زیادی توسط شرایط نامناسب محیط کلان اقتصادی و محدودیت‌های ساختاری توضیح داده شود. رشد پایین تولید ناخالص داخلی، کاهش رقابت پذیری بین‌المللی، فساد، عدم دسترسی به منابع مالی و دسترسی ضعیف به برق، بخش مهمی از دلایل عدم رشد اشتغال در بنگاه‌های MENA در مقایسه با هم‌تایان آنهاست.

تهیه‌کننده: طاهره کریمی دستنایی

مهرماه ۱۳۹۸

چکیده

گزارش حاضر به بررسی میزان تأثیر محدودیت‌های محیط کسب و کار بنگاه‌ها در کشورهای منتخب MENA^۱ در زمان بهار عربی و میزان تأثیر این محدودیت‌ها بر عملکرد اشتغال آنها می‌پردازد. نتایج نشان می‌دهد که بنگاه‌های کوچک این منطقه، نسبت به بنگاه‌های مشابه در مناطق دیگر با محدودیت‌های ساختاری بیشتری روبرو هستند. همچنین ایجاد اشتغال کمتر توسط بنگاه‌های MENA می‌تواند تا حد زیادی توسط نامناسب بودن محیط کلان اقتصادی و محدودیت‌های ساختاری توضیح داده شود. رشد پایین تولید ناخالص داخلی، کاهش رقابت پذیری بین‌المللی، فساد، عدم دسترسی به منابع مالی و دسترسی ضعیف به برق، بخش مهمی از دلایل عدم رشد اشتغال در بنگاه‌های MENA در مقایسه با هم‌تایان آنهاست.

معرفی

در سال ۲۰۱۰ و پس از شروع بهار عربی، منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا (MENA) بالاترین نرخ بیکاری در سراسر جهان را به خود اختصاص داد، به‌طوری‌که بیش از یک چهارم جوانان آن بیکار بودند. این در حالی است که در آن زمان نرخ بیکاری در سایر اقتصادهای نوظهور به طور متوسط ۲۰٫۴ درصد بود. الگوی اقتصادی MENA که برای مدت طولانی متمرکز بر اقتصاد داخلی و با محوریت دولت بود، منجر به بیکاری طولانی در منطقه شد. به‌طوری‌که سیاست رقابتی و ساختارهای قانونی و نظارتی به جای تشویق ظهور شرکت‌های کوچک و متوسط پویا، برای محافظت از تعداد کمی از بازیگران اقتصادی طراحی و استفاده می‌شد. علاوه بر این، رقابت و پویایی بخش خصوصی از طریق ادغام تجاری محدود، خدشه‌دار شده و سیستم‌های تحصیل و آموزش به دنبال آماده‌سازی جمعیت رو به رشد در سن کار برای اشتغال در مشاغل عمومی و نه مشاغل بخش خصوصی بودند. در نتیجه، بخش خصوصی یک بخش غیررسمی بزرگ (به نمایندگی ۱/۴ از فعالیت‌های اقتصادی) و متمرکز بر شرکت‌های کوچک بود که تنها تعداد معدودی از آنها توانستند به مشاغل بزرگتر و پربارتر تبدیل شوند. همچنین، بهره‌وری نیروی کار مطابق با استانداردهای بین‌المللی پایین بوده و نوآوری و مهارت لازم در کار در مقایسه با سایر کشورهای همانند وجود نداشته است. صادرات غیر کالایی نیز در منطقه MENA بسیار پایین و اشتغالزایی در بخش خصوصی برای جذب سریع جمعیت در حال رشد بسیار کم بود. نرخ مشارکت نیروی کار^۲ در کل منطقه MENA در سال ۲۰۱۰ به طور متوسط ۷۶ درصد برای مردان و ۲۶ درصد برای زنان بوده، و با توجه به پایین بودن نرخ مشارکت به‌خصوص برای زنان، نشان می‌دهد که همچنان منبع قابل توجهی از رشد بلااستفاده وجود دارد که نتیجه آن موجب ایجاد نارضایتی فزاینده در بین شهروندان MENA بوده است.

در این گزارش به شناسایی محدودیت‌های اصلی ایجاد اشتغال در بنگاه‌های MENA در مقایسه با بنگاه‌های سایر مناطق جهان پرداخته می‌شود که نه تنها به محدودیت‌های محیط کسب و کار، بلکه به وضعیت کلان اقتصادی و تأثیر آن بر ایجاد اشتغال تمرکز دارد. نتایج نشان می‌دهد چندین جنبه از محیط کسب و کار به طور نامتناسب بر شرکت‌های

^۱ MENA: در این گزارش منظور از کشورهای منا، ۵ کشور مصر، اردن، لبنان، مراکش و تونس است.
^۲ در سال ۲۰۱۸ نرخ مشارکت نیروی کار در منطقه MENA به طور متوسط ۷۵ درصد برای مردان و ۲۸ درصد برای زنان بوده است.

معاونت بررسی های اقتصادی

MENA تأثیر می‌گذارد. بنگاه‌های MENA بیش از هر جای دیگر با بی‌ثباتی سیاسی، دسترسی به منابع مالی و زیرساخت‌ها، به ویژه برق، روبرو شده‌اند. در عین حال، بنگاه‌ها با خصوصیات گوناگون، به روش‌های مختلفی تحت تأثیر قرار می‌گیرند. بنگاه‌های کوچک ادعا دارند که کمتر تحت تأثیر این محدودیت‌ها قرار گرفته‌اند، احتمالاً به این دلیل که قابلیت رصد شدن کمتری دارند و یا اصلاً درخواست دریافت این نوع خدمات را ندارند، اما بنگاه‌های متوسط محدودیت‌های بیشتری را متحمل می‌شوند. در مورد بنگاه‌های بزرگ MENA، با وجود دسترسی به منابع مختلف مالی، این بنگاه‌ها و به‌ویژه بنگاه‌های در حال گسترش، هنوز هم دسترسی به امور مالی را به عنوان یک محدودیت مهم اعلام می‌کنند.

تجزیه و تحلیل‌ها نشان می‌دهد بنگاه‌های اقتصادی در MENA مشاغل کمتری نسبت به بنگاه‌های مناطق دیگر ایجاد می‌کنند اما به نظر نمی‌رسد فقدان توان اشتغالزایی شرکت‌های MENA، منعکس کننده ضعف ساختاری و ویژگی‌های آنها باشد، بلکه بیش‌تر ناشی از اصول اقتصادی ضعیف‌تر و محیط‌های کسب و کار نامناسب در این اقتصادهاست.

۱. مشخصه های بنگاه‌های خصوصی در MENA

در این گزارش از داده‌های بانک جهانی (WBES) برای تجزیه و تحلیل ویژگی‌های بخش خصوصی در کشورهای منتخب MENA پس از بهار عربی استفاده شده و سپس با سایر اقتصادهای نوظهور و در حال توسعه مقایسه می‌شود. این نمونه شامل بررسی‌هایی است که در سال ۲۰۱۳ برای پنج کشور MENA (مصر، اردن، لبنان، مراکش و تونس) انجام شده و داده‌های سال ۲۰۱۳ یا ۲۰۱۴ برای یک گروه مقایسه‌ای از ۴۸ کشور نوظهور و در حال توسعه است. نکته مهم این است که این داده‌های بانک جهانی فقط شامل شرکت‌های رسمی ثبت شده‌ای است که حداقل پنج نفر نیروی کار دارند. شایان ذکر است که داده‌های بانک جهانی شامل بنگاه‌های خصوصی غیررسمی نمی‌شود.

بنگاه‌های کوچک سهم غالبی در بخش خصوصی رسمی دارند. در زمان انجام مطالعه، در میان کشورهای منتخب MENA، بنگاه‌های کوچک (یعنی بنگاه‌هایی با کمتر از ۲۰ نفر کارکن) حدود ۶۰ درصد از بنگاه‌های رسمی بخش خصوصی و بنگاه‌های متوسط (یعنی بنگاه‌های بین ۲۰ تا ۹۹ نفر کارکن) ۳۳ درصد دیگر از آن را تشکیل داده‌اند. این موضوع در اقتصادهای نوظهور غیرعادی نیست، به عنوان مثال سهم بنگاه‌های کوچک از بنگاه‌های رسمی بخش خصوصی در کشورهای جنوب صحرای آفریقا حدود ۷۳ درصد و در کشورهای اروپای شرقی و آسیای مرکزی ۶۴ درصد بوده است.

بهره‌وری بنگاه‌های کوچک و متوسط رسمی بیشتر از بنگاه‌های بزرگ است. بنگاه‌های بزرگ تنها حدود ۴۳ درصد از کل فروش را به خود اختصاص داده‌اند، در حالی که آنها حدود ۶۲ درصد اشتغال را در بخش رسمی دارند. این موضوع در اروپا و آسیای مرکزی و آسیای جنوبی، برعکس است یعنی بنگاه‌های بزرگ بخش عمده فروش را تشکیل می‌دهند.

معاونت بررسی های اقتصادی

بهره‌وری نیروی کار در اکثر بنگاه‌های MENA منفی بوده است. بین سالهای ۲۰۰۹ تا ۲۰۱۲، رشد سالانه بهره‌وری نیروی کار در منطقه منتخب MENA منفی بود، بطوریکه بنگاه‌های کوچک سالانه ۵٫۱ درصد کاهش در بهره‌وری نیروی کار خود داشته‌اند و این رقم برای بنگاه‌های متوسط ۳٫۸ درصد برای بنگاه‌های بزرگ ۳٫۴ درصد بوده است. در میان کشورهای MENA تنها در لبنان در میان بنگاه‌های متوسط و بزرگ رشد مثبت بهره‌وری نیروی کار وجود داشته است. در میان بنگاه‌های سایر مناطق نیز رشد بهره‌وری نیروی کار به جز در اروپای شرقی و آسیای مرکزی منفی بوده است.

ایجاد اشتغال بویژه در بنگاه‌های متوسط ضعیف بوده است. طی دوره ۲۰۰۹ تا ۲۰۱۲، میانگین اشتغالی سالانه در بین بنگاه‌های رسمی MENA بسیار پایین تر از نرخ مشاهده شده در سایر مناطق بوده است (۰٫۸ درصد، در مقابل ۴ تا ۶٫۴ درصد در مناطق دیگر). با نگاهی به اندازه شرکت‌ها، مشاهده می‌شود که بنگاه‌های کوچک در MENA عملکرد نسبتاً بهتری دارند و نرخ رشد اشتغال مثبت و حدود ۲ درصد را نشان می‌دهند، اگرچه هنوز نسبت به مناطق دیگر که اشتغال بین ۶ تا ۸ درصد رشد داشته‌اند به طور قابل توجهی پایین تر است، اما بنگاه‌های متوسط و بزرگ شاهد کاهش اشتغال بودند، روندی که در اروپا و آسیای مرکزی و جنوب صحرای آفریقا نیز مشاهده شده است. این یافته تا حدودی نشان می‌دهد بنگاه‌های کوچکتر تمایل به ایجاد اشتغال بیشتر دارند. اگر رابطه منفی بین اندازه اولیه بنگاه و رشد اشتغال در نظر گرفته شود، انقباض شدیدتر ایجاد اشتغال برای بنگاه‌های متوسط در MENA (نرخ رشد ۱٫۳- درصدی) ممکن است نشان دهنده این باشد که این بنگاه‌ها با محدودیت‌های بیشتری در توسعه خود روبرو هستند. (جدول ۱)

جدول ۱- نرخ رشد سالانه اشتغال بین ۲۰۰۹ تا ۲۰۱۲-درصد			
رشد سالانه اشتغال	بر حسب اندازه بنگاه‌ها		
	کوچک (۱۹-۵)	متوسط (۹۹-۲۰)	بزرگ (۱۰۰+)
مصر	-۱٫۳	-۰٫۵	-۲٫۶
اردن	۳٫۸	۵٫۸	-۳
لبنان	۱٫۳	۵٫۳	-۵٫۹
مراکش	۶	۷٫۹	۴٫۲
تونس	۰٫۴	۲٫۹	-۳٫۶
منتخب MENA	۰٫۸	۲٫۲	-۱٫۳
اروپای شرقی و آسیای مرکزی	۴	۶٫۱	-۰٫۵
آسیای جنوبی	۵٫۴	۶٫۸	۴٫۱
جنوب صحرای آفریقا	۶٫۴	۷٫۸	-۱٫۳

منبع: داده های بانک جهانی و محاسبات صندوق بین المللی پول

ادغام تجاری، نوآوری و سن بنگاه‌ها عوامل مهمی در عملکرد شرکتهای MENA در جهت ایجاد بهره‌وری نیروی کار و ایجاد شغل بوده‌اند. به طور کلی، عملکرد بنگاه‌هایی که در زنجیره‌های ارزش جهانی ادغام شده‌اند بهتر بوده است. بهره‌وری نیروی کار در بنگاه‌های صادرکننده MENA ۱٫۵ درصد و در سایر مناطق ۴٫۴ درصد بوده است. بنگاه‌های MENA که نوآوری نداشته، شاهد کاهش دوبرابری بهره‌وری نیروی کار خود نسبت به

معاونت بررسی های اقتصادی

بنگاههایی بودند که توسعه نوآوری های محصول را آغاز کردند. بنگاههایی که در فرایندها یا محصولات نوآوری کرده نیز نسبت به سایر بنگاهها سه برابر شغل بیشتری ایجاد کرده اند. نوآوران ضعیف ۱ درصد و نوآوران متوسط ۲ درصد نرخ رشد سالانه اشتغال بالاتری دارند. بنگاه های بالغ^۴ و قدیمی عملکرد بدتری نسبت به بنگاه های جوان داشتند. میانگین بهره‌وری نیروی کار آنها با ۵٫۹ درصد و ۳٫۸ درصد به ترتیب در مقایسه با ۲٫۱ درصد برای بنگاه های جوان منطقه رقم خورده است. رشد اشتغال بنگاه های جوان به طور متوسط ۴٫۷ درصد در MENA در مقابل ۱٫۶ درصد برای بنگاه های بالغ و ۱٫۱- درصد برای بنگاه های قدیمی بوده است. این یافته ها نشان می دهند که بنگاه های جوان پویاتر هستند.

۲. نقش محدودیت های محیط کسب و کار (جو تجاری) در بخش خصوصی منطقه MENA

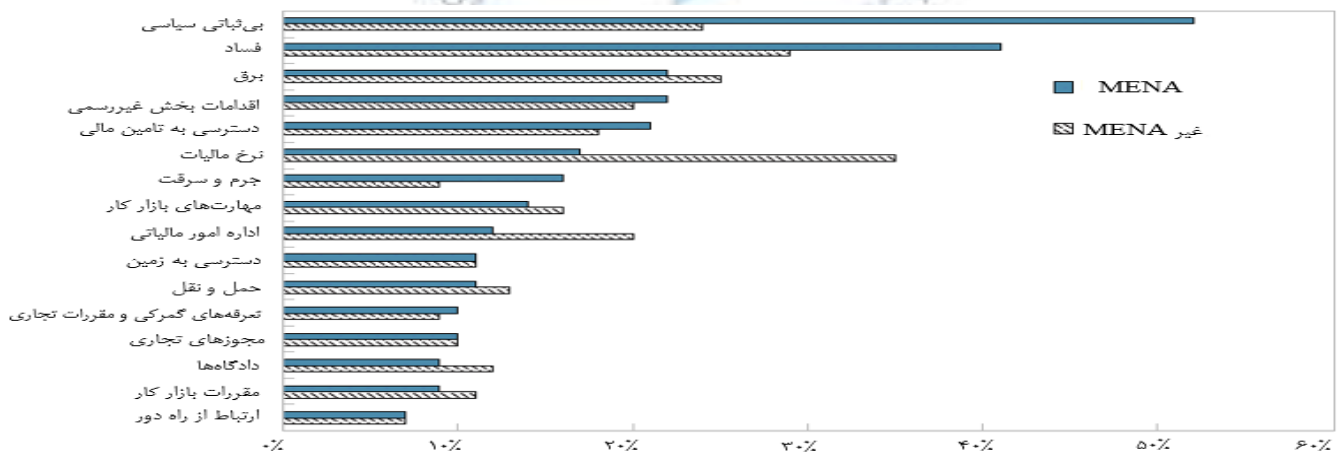
مطابق مطالعات انجام شده، دو محدودیت ذهنی و عینی در شش حوزه به عنوان مهمترین موانع رشد اقتصادی تحت هدایت بخش خصوصی مشخص شده اند: بی ثباتی سیاسی، حکمرانی، دسترسی به منابع مالی، زیرساخت ها، تنظیم مقررات تجاری و مقررات بازار کار. نتایج بدست آمده از تجزیه و تحلیل این موانع به شرح ذیل است.

بی ثباتی سیاسی

بنگاه های منطقه MENA نسبت به بنگاه های مناطق دیگر بیشتر از عدم ثبات سیاسی شکایت داشتند. بی ثباتی سیاسی بزرگترین محدودیت برای بنگاه های MENA است. چهار محدودیت مهم دیگر که توسط بنگاه ها در MENA گزارش شده، از نظر اهمیت عبارت از فساد، برق، شیوه های غیررسمی و دسترسی به منابع مالی است. به طور متوسط، ۵۲ درصد از بنگاه های منطقه MENA عدم ثبات سیاسی را به عنوان یک محدودیت اصلی تلقی کردند که این رقم در بنگاه های غیر MENA حدود ۲۴ درصد بوده است. این موضوع در مورد بنگاهها از هر اندازه، خصوصاً بنگاه های خرد و بزرگ (که تفاوت های آنها از نظر آماری قابل توجه است) صادق است. (نمودار ۱ و جدول ۲)

بنگاه های منطقه منعدم ثبات سیاسی و فساد را بزرگترین مانع تجارت می دانند

نمودار ۱- موانع مهم تجارت از منظر بنگاه های منتخب MENA به ترتیب اهمیت-درصد



منبع: داده های بانک جهانی و محاسبات صندوق بین المللی پول

^۴Mature firms

^۵business climate constraints



جدول ۲- محدودیت‌های گزارش شده به عنوان مانع اصلی فعالیت اقتصادی در MENA و سایر جهان به تفکیک اندازه بنگاه-سهم بنگاه‌ها در هر گروه (درصد)

حمل و نقل		مقررات گمرکی		ارتباط از راه دور		برق		
MENA	سایر جهان	MENA	سایر جهان	MENA	سایر جهان	MENA	سایر جهان	
۹	۱۳	۱۱	۹	۱۰	۱۲	۱۸	۲۴	بنگاه های خرد
۱۱	۱۲	۱۰	۸	۷	۱۲	۲۴	۲۴	بنگاه های کوچک
۱۲	۱۴	۹	۹	۱۰	۱۰	۲۴	۲۶	بنگاه های متوسط
۱۴	۱۲	۱۰	۱۰	۹	۹	۱۹	۲۸	بنگاه های بزرگ
-۵	۱	۱	۱	۱	۳	-۱	-۴	تفاوت بنگاه‌های خرد/بزرگ
بی ثباتی سیاسی		مجوزها		اداره امور مالیاتی		نرخ مالیات		
MENA	سایر جهان	MENA	سایر جهان	MENA	سایر جهان	MENA	سایر جهان	
۴۹	۲۷	۸	۹	۱۲	۲۰	۱۷	۳۳	بنگاه های خرد
۵۴	۲۳	۱۲	۱۰	۱۲	۲۰	۱۶	۳۵	بنگاه های کوچک
۵۳	۲۳	۱۱	۱۰	۱۲	۲۱	۱۷	۳۶	بنگاه های متوسط
۵۰	۲۶	۱۱	۱۰	۱۲	۱۸	۱۷	۳۸	بنگاه های بزرگ
-۱	۱	-۳	-۲	۰	۱	۰	-۵	تفاوت بنگاه‌های خرد/بزرگ
مهارت نیروی کار		مقررات بازار کار		دسترسی به منابع مالی		جرم		
MENA	سایر جهان	MENA	سایر جهان	MENA	سایر جهان	MENA	سایر جهان	
۱۶	۱۵	۷	۱۰	۲۶	۲۰	۱۶	۱۱	بنگاه های خرد
۱۲	۱۷	۸	۱۲	۲۱	۱۷	۱۶	۹	بنگاه های کوچک
۱۳	۱۶	۱۱	۱۲	۱۸	۱۷	۱۷	۷	بنگاه های متوسط
۱۳	۱۵	۷	۱۵	۲۰	۱۴	۱۷	۷	بنگاه های بزرگ
۲	۰	۱	-۶	۷	۶	-۱	۴	تفاوت بنگاه‌های خرد/بزرگ
دادگاه‌ها		فساد		زمین		رقابت غیررسمی		
MENA	سایر جهان	MENA	سایر جهان	MENA	سایر جهان	MENA	سایر جهان	
۶	۸	۳۹	۲۵	۱۲	۱۲	۲۳	۲۲	بنگاه های خرد
۸	۷	۴۰	۲۸	۱۲	۱۲	۲۰	۲۰	بنگاه های کوچک
۶	۸	۴۲	۳۱	۹	۱۰	۲۳	۱۹	بنگاه های متوسط
۶	۶	۴۸	۳۵	۸	۸	۲۰	۱۷	بنگاه های بزرگ
۰	۲	-۹	-۱۰	۴	۳	۲	۵	تفاوت بنگاه‌های خرد/بزرگ

*- تفاوت در اعداد به علت گرد شدن است

منبع: سازمان جهانی و صندوق بین المللی پول

حکمرانی

بنگاه‌های MENA نسبت به هم‌تایان خارجی خود بیشتر از فساد شکایت داشته و بنگاه‌های بزرگ بیشتر تحت تاثیر آن قرار گرفته‌اند. با کنترل سایر خصوصیات، بنگاه‌های MENA بیشتر از بنگاه‌های کشورهای مورد مقایسه فساد را به عنوان یک مانع بزرگ گزارش کرده‌اند. مطابق آمار جدول ۲، حدود ۴۱ درصد از بنگاه‌های MENA فساد را به عنوان یک محدودیت گزارش کرده‌اند، در حالی که تنها ۲۹ درصد از بنگاه‌های غیر MENA این ادعا را

معاونت بررسی های اقتصادی

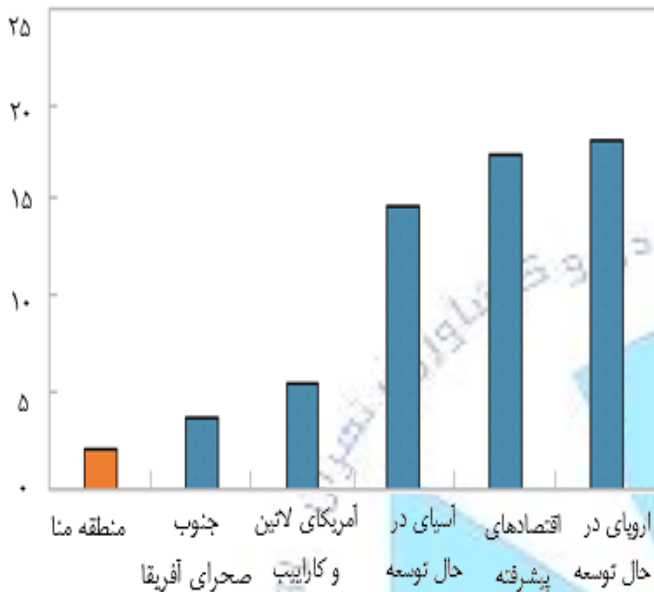
داشته‌اند. گزارش فساد در بنگاه‌های بزرگتر در MENA و سایر جهان نسبت به بنگاه‌های کوچک بیشتر بوده است. مطابق جدول ۳۹ درصد از بنگاه‌های خرد و ۴۸ درصد از بنگاه‌های بزرگ در منطقه MENA از فساد به عنوان مانع اصلی در تجارت نام بردند. این مقایسه برای سایر جهان به ترتیب ۲۵ درصد در مقابل ۳۵ درصد بوده است. نتایج نشان می‌دهد که بنگاه‌های بزرگ در MENA و سایر جهان نسبت به سایر بنگاه‌ها، بیشتر مجبور به پرداخت رشوه شده‌اند. (جدول ۲)

بنگاه‌های MENA در مورد دسترسی به منابع مالی نسبت به بنگاه‌های سایر مناطق شکایت بیشتری دارند. با وجود اینکه بنگاه‌های MENA دسترسی به منابع مالی را در رده پنجم فهرست محدودیت‌های خود قرار داده‌اند، اما نسبت به بنگاه‌های سایر مناطق به طور متوسط در این خصوص بیشتر شکایت می‌کنند. حدود ۲۱ درصد از بنگاه‌های MENA از دسترسی به منابع مالی به عنوان یک مانع بزرگ یا بسیار جدی برای شروع کسب و کار شکایت می‌کنند. این رقم در سایر بنگاه‌ها ۱۸ درصد بوده است. با تفکیک شرکت بر حسب اندازه آنها، نتایج نشان می‌دهد که بنگاه‌های خرد نسبت به بنگاه‌های بزرگ هم در MENA و هم در بین کشورهای غیر MENA بطور قابل توجهی احتمال دسترسی به تامین مالی را به عنوان یک مانع بزرگ، بیشتر گزارش داده‌اند. اما نکته قابل توجه این است که بنگاه‌های بزرگ در منطقه MENA هم نسبت به بنگاه‌های بزرگ سایر مناطق جهان در زمینه تامین مالی بیشتر محدود شده‌اند. به‌طوریکه ۲۰ درصد از بنگاه‌های بزرگ MENA از دسترسی به منابع مالی به عنوان یک مانع بزرگ یا بسیار شدید شکایت دارند، در حالی که تنها ۱۴ درصد از بنگاه‌های بزرگ در کشورهای مورد مقایسه نسبت به این مانع گزارش داده‌اند. (جدول ۲)

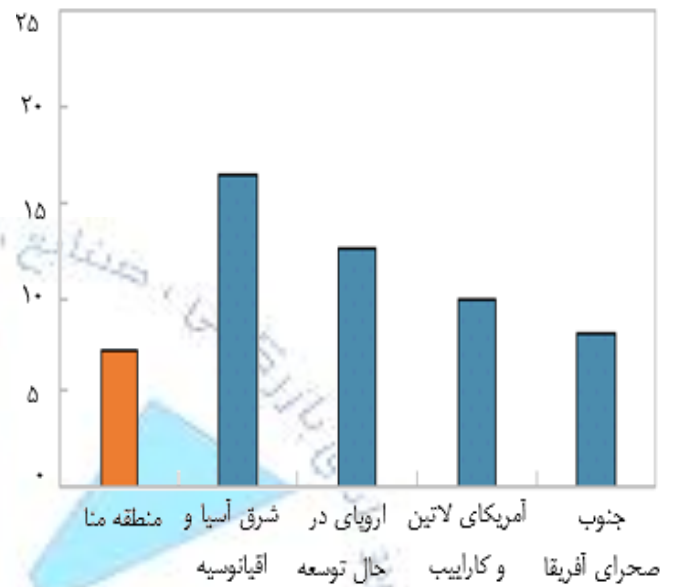
بنگاه‌های کوچک و متوسط به تامین مالی خارجی کمتر وابسته‌اند. دسترسی به منابع مالی می‌تواند از نظر کمیت یا شرایط تامین مالی محدود شود. با توجه به شرایط تامین مالی، داده‌های بانک جهانی فقط شامل داده‌های قابل مقایسه با وثیقه می‌شوند. در منطقه MENA، به دلیل نبود دفاتر اعتباری کافی و سیستم‌های ثبت وثیقه، سهم بنگاه‌هایی که دارای خط اعتباری یا وام اعتباری از موسسات مالی بوده نسبت به سایر مناطق در کمترین میزان است (نمودار ۲) و بنگاه‌های کوچک در MENA به طور نامتناسبی دارای محدودیت اعتباری هستند. شواهد نشان می‌دهد که بنگاه‌های MENA، به جز شرکت‌های بزرگ، سهم کمتری از سرمایه در گردش خود را (نسبت به بنگاه‌های خارج از MENA) از طریق مؤسسات مالی خارجی تامین می‌کنند. در خارج از MENA، بین سهم تامین اعتبار خارجی و اندازه بنگاه‌ها رابطه قوی وجود دارد، در حالی که بنگاه‌های بزرگ MENA در تامین مالی خارجی نسبت به سایر بنگاه‌های MENA شانس بیشتری دارند. (جدول ۲)

نمودار ۲- وام های اعطایی به بنگاه های کوچک و متوسط از سوی بانک های تجاری

(نسبت به کل تولید ناخالص داخلی، درصد)



(سهم از کل وام، درصد)



*- اطلاعات بر طبق آخرین داده های موجود است

منبع: داده های دسترسی مالی و صندوق بین المللی پول

زیرساخت ها

زیرساخت های ضعیف برق یک محدودیت بزرگ و پرهزینه برای بنگاه های MENA بوده است. به طور متوسط در منطقه MENA نسبت به سایر جهان بنگاه های کمتری برق را یک مانع بزرگ یا بسیار شدید در کسب و کار می دانند (۲۲ درصد از بنگاه های MENA در مقابل ۲۵ درصد از شرکتهای غیر MENA). با تمایز قائل شدن از منظر اندازه بنگاه، بنگاه های بزرگ و خرد در MENA نسبت به همتایان خود در کشورهای دیگر کمتر از زیرساخت برق شکایت دارند. از طرف دیگر، بنگاه های کوچک و متوسط در MENA به اندازه همتایان خود در مناطق دیگر به از دسترسی به زیرساخت برق شکایت دارند. بنگاه ها در همه جا و هر اندازه از زیرساخت های حمل و نقل و ارتباط از راه دور نسبت به زیرساخت برق شکایت کمتری داشته اند (جدول ۲). نکته قابل توجه این است که باوجود آنکه بنگاه های MENA بطور متوسط کمتر از غیر MENA از دسترسی به برق شکایت داشتند، اما به طور عینی با تعداد خاموشی بیشتری نسبت به بنگاه های مناطق دیگر مواجه بودند، بطوریکه در بنگاه های خرد و کوچک این میزان به طور متوسط حدود هفت تا هشت برابر بیشتر بوده است. در نتیجه، بنگاه های خرد و کوچک MENA همچنین زبان فروش بیشتری به دلیل قطع برق متحمل می شوند (به طور متوسط حدود ۲ درصد بیشتر از بنگاه های غیر MENA مشابه).

مقررات کسب و کار

مقررات کسب و کار جزو نگرانی‌های اصلی بنگاه‌های MENA عنوان نشده است. محدودیت‌های مقررات کسب و کار مانند نرخ مالیات و اداره امور مالیاتی، تعرفه‌ها، مقررات کسب زمین و مجوزهای تجاری در فهرست محدودیت‌های بنگاه‌های MENA در رتبه‌های پایین قرار دارد (نمودار ۱) و به جز نرخ مالیات و اداره امور مالیاتی، بین نحوه عملکرد بنگاه‌های MENA و بنگاه‌های کشورهای مورد مقایسه در مورد شیوه‌های مقرراتی کسب و کار تفاوت معنی داری وجود ندارد.

مقررات کسب و کار به اندازه سایر مناطق در منطقه MENA سختگیرانه بوده است. به نظر می‌رسد دامنه تحمل بنگاه‌های MENA در رابطه با مقررات کسب و کار بیشتر از سایر مناطق است. علی‌رغم عدم رتبه بندی امور مالیاتی به عنوان یک مانع بزرگ، بازرسی‌های مالیاتی بنگاه‌های MENA مانند سایر بنگاه‌ها بالاتر از میانگین بوده است. همچنین در بنگاه‌های خارج از MENA، بنگاه‌های بزرگ نسبت به سایر بنگاه‌ها بیشتر مورد بازرسی واقع می‌شوند که این مورد در مورد کشورهای MENA وجود ندارد. با وجود آنکه اکثریت بنگاه‌ها از سنگین بودن مقررات شکایتی ندارند، اما بنگاه‌های بزرگ MENA گزارش دادند که نسبت به هم‌تایان خود در خارج از MENA ساعات بیشتری را با مسئولان دولتی در مورد بررسی و اصلاح قوانین و مقررات سپری می‌کنند.

به طور کلی، رژیم‌های مقرراتی پیچیده تمایل به بخش‌های غیررسمی بزرگتر دارند. حدود یک چهارم فعالیت اقتصادی منطقه در بخش غیررسمی بوده است اما همانطور که در ابتدا گفته شد، داده‌های بانک جهانی شرکت‌های غیر رسمی را پوشش نمی‌دهد. علاوه بر این شواهدی وجود دارد که حتی شرکت‌های رسمی ممکن است بتوانند از پرداخت مالیات ممانعت کنند، زیرا رقم واقعی مالیات در کشورهای منطقه کم است.

بازار کار

محدودیت‌های بازار کار از اصلی‌ترین نگرانی‌های بنگاه‌های MENA نبوده است. در مقایسه با بنگاه‌های کشورهای مورد مقایسه، سهم کمتری از بنگاه‌های MENA محدودیت‌های بازار کار را به عنوان یک محدودیت عمده گزارش کرده‌اند. اما شایان ذکر است که اگرچه سهم بنگاه‌های MENA که سختی یافتن مهارت‌های مناسب بازار کار در بین نیروی کار را گزارش کردند، فرقی با سایر مناطق جهان نداشته باشد، اما این سهم در مقایسه با محدودیت‌های ناشی از مقررات بازار کار به مراتب بیشتر بوده است (جدول ۲).

۳. اهمیت سیاست‌های کلان اقتصادی و مقررات کسب و کار در توضیح عملکرد اشتغال بنگاه‌ها

در بخش قبلی محدودیت‌های ساختاری برای بنگاه‌های کشورهای MENA و اینکه چگونه این محدودیت‌ها بنگاه‌های در اندازه‌های مختلف را به روش‌های مختلف تحت تأثیر قرار داده، برجسته شده است. بنگاه‌های منطقه از بی‌ثباتی سیاسی، فساد، دسترسی به برق و دسترسی به منابع مالی به عنوان موانع مهم برای مشاغل خود خبر دادند. در این بخش به تجزیه و تحلیل اینکه چگونه این محدودیت‌ها منجر به کاهش ایجاد اشتغال در منطقه MENA در

معاونت بررسی های اقتصادی

مقایسه با سایر مناطق می‌شوند، پرداخته می‌شود. فراتر از ویژگی‌های خاص بنگاه‌ها، فرض می‌شود که سطح کلان اقتصادی کشور و محیط کسب و کار ممکن است توسعه بنگاه‌ها را محدود کند. در این مطالعه از سه متغیر تولید ناخالص داخلی سرانه، تراز مالی و تحول نرخ موثر ارز واقعی (REER) استفاده شده است: رشد سرانه تولید ناخالص داخلی می‌تواند نماینده ابعاد مختلف وضعیت اقتصادی باشد که نشان دهنده سلامت کلی اقتصاد و نتیجه سیاست‌های کلان اقتصادی است و می‌تواند محیط سیاسی را به خود جلب کند. متغیر تراز مالی سیاست‌های مالی را کنترل می‌کند و نرخ موثر ارز واقعی نماینده رقابت خارجی است.

نتایج

بنگاه‌های منطقه MENA نسبت به بنگاه‌های مناطق دیگر شغل کمتری ایجاد کرده‌اند. طبق نتایج بدست آمده، طی دوره ۲۰۰۹ تا ۲۰۱۲، نرخ رشد اشتغال بنگاه‌های MENA سالانه ۰٫۲ درصد و برای بنگاه‌های سایر مناطق سالانه ۴ درصد بوده است. همچنین در تغییر اندازه بنگاه مقاومت وجود داشته به طوری که ۸۴ تا ۹۶ درصد بنگاه‌ها در سال ۲۰۱۲ در همان سایز ابتدایی خود (کوچک، متوسط یا بزرگ) از سال ۲۰۰۹ باقی مانده بودند با این حال، به‌طور قابل توجهی تعداد بنگاه‌هایی که در طول دوره مطالعه اندازه آن‌ها کاهش یافته در منطقه MENA نسبت به سایر مناطق بیشتر بوده است. در سال ۲۰۰۹، ۱۲ درصد از بنگاه‌های متوسط MENA (بین ۲۰ تا ۹۹ کارکن) در سال ۲۰۱۲ به بنگاه‌های کوچک تبدیل شدند (کمتر از ۲۰ نفر کارکن). این رقم در سایر مناطق خارج از MENA حدود ۴ درصد بوده است. همچنین ۹ درصد از بنگاه‌های MENA که در سال ۲۰۰۹ جزء بنگاه‌های بزرگ اقتصادی طبقه بندی شده بودند (بیش از ۹۹ نفر کارکن) در سال ۲۰۱۲ به بنگاه‌های متوسط تبدیل شدند که این رقم برای سایر مناطق ۴ درصد بوده است. برعکس این قضیه نیز جالب توجه است، به‌طوری‌که در مدت مذکور ۹ درصد از بنگاه‌های MENA و ۷ درصد از بنگاه‌های سایر مناطق از اندازه کوچک به اندازه متوسط رشد کردند و در هر دو گروه، ۵ درصد از بنگاه‌های متوسط به بنگاه‌های بزرگ تبدیل شدند.

جدول ۳- ارزیابی اندازه بنگاه‌ها بین سال‌های ۲۰۰۹ تا ۲۰۱۲-درصد

	بنگاه‌های MENA			بنگاه‌های سایر جهان		
	کوچک	متوسط	بزرگ	کوچک	متوسط	بزرگ
کوچک	۹۱	۹	۰	۹۳	۷	۰
متوسط	۱۲	۸۴	۵	۴	۹۱	۵
بزرگ	۰	۹	۹۱	۰	۴	۹۶

منبع: داده‌های دسترسی مالی و صندوق بین‌المللی پول

ویژگی‌های بنگاه‌ها عامل مهمی برای توضیح رشد اشتغال در نمونه کاملی از کشورهای نوظهور هستند.

- به طور کلی براساس نتایج برآوردها، روند رشد اشتغال بنگاه‌های جوان بین ۲٫۳ تا ۴٫۸ واحد درصد بالاتر از سایر بنگاه‌ها است که این موضوع نشان می‌دهد که شرکت‌های جدید پویاتر هستند.

معاونت بررسی های اقتصادی

- بنگاه‌های کوچک‌تر عملکرد بهتری نسبت به بنگاه‌های دارای ۲۰ نفر کارکن یا بیشتر دارند به‌طوری‌که رشد اشتغال آنها بین ۲٫۶ تا ۳٫۱ واحد درصد بالاتر از سایر مطالعاتی است که نشان می‌دهد بنگاه‌های کوچک تمایل به ایجاد تعداد شغل بیشتری دارند.
- بنگاه‌های نوآور شغل بیشتری ایجاد می‌کنند. نوآوران ضعیف دارای ۱ درصد نرخ رشد اشتغال سالانه بالاتر و نوآوران متوسط تا قوی دارای ۲ درصد نرخ رشد اشتغال سالانه بالاتر هستند. این موضوع نیز نشان می‌دهد که بنگاه‌های جوان و مبتکر، سریع‌تر رشد می‌کنند.
- ادغام در تجارت جهانی منجر به ایجاد حدود ۲٫۵ واحد درصد اشتغال بالاتر می‌شود. این ممکن است نشان دهنده این واقعیت باشد که ادغام بنگاه‌ها از ورودی های خارجی، فناوری و بازارهای مصرف منتفع می‌شود.
- ایجاد شغل دائم کمتر منجر به افزایش اشتغال کارکنان در شغل‌های موقت می‌شود: هنگامی که ایجاد شغل دائم حدود ۰٫۰۵ واحد درصد کمتر باشد، سهم کارکنان موقت ۲۵ درصد افزایش می‌یابد.

عملکرد ضعیف بنگاه‌ها در MENA با ویژگی‌های بنگاه‌ها کاملاً توضیح داده نمی‌شود. بنگاه‌های MENA بطور قابل توجهی کمتر از بنگاه‌های کشورهای مورد مقایسه شغل ایجاد کردند بطوری‌که رشد اشتغال سالانه حدود ۳ واحد درصد نسبت به بنگاه‌های کشورهای مورد مقایسه کمتر بوده است. مقایسه داده‌ها نشان می‌دهد که علت این موضوع سهم بالاتر بنگاه‌های قدیمی در نمونه‌های مورد بررسی در منطقه منا نسبت به منطقه خارج از منا (۹ درصد بالاتر)، سهم کمتر بنگاه‌های کوچک (۱۰ درصد پایین‌تر) و سهم بالاتر بنگاه‌های غیرنوآور (۳/۴ در منطقه MENA و ۱/۲ در سایر مناطق) در مقایسه با هم‌تایان در خارج از منطقه MENA بوده است. این موضوع نشان می‌دهد که عوامل فراتر از ویژگی‌های بنگاه‌ها اختلاف نرخ رشد اشتغال بنگاه‌ها در MENA را در مقایسه با کشورهای مورد مقایسه توضیح می‌دهد.

به نظر می‌رسد بنگاه‌های متوسط MENA بیش از سایر بنگاه‌ها تحت تأثیر عوامل غیر مرتبط با ویژگی‌های بنگاه‌ها قرار دارند. مطابق نتایج بدست آمده از مدل مورد بررسی، نرخ رشد اشتغال در بنگاه‌های متوسط منطقه منا به طور متوسط ۱٫۶ درصد پایین‌تر از بنگاه‌های متوسط سایر مناطق است. این می‌تواند نشان دهد که بنگاه‌های متوسط در مقایسه با بنگاه‌های کوچک و بنگاه‌های بزرگ بیشتر تحت تأثیر محدودیت‌های ساختاری قرار می‌گیرند.

محیط کلان اقتصادی کشورهای منا به توضیح عملکرد نسبتاً ضعیف بنگاه‌ها کمک می‌کند. همانطور که پیش‌بینی می‌شد، رشد سرانه تولید ناخالص داخلی بالاتر با ایجاد شغل بیشتر برای همه بنگاه‌ها همراه است و بنگاه‌های کشوری که عملکرد کلی اقتصادی بهتری و تقاضای بیشتری دارند، موفق بوده و اشتغال بیشتری ایجاد می‌کنند. این موضوع با این واقعیت هم سازگار است که بنگاه‌های بخش خصوصی اغلب به تقاضای بخش دولتی وابسته‌اند.

فساد، دسترسی به منابع مالی و برق به عنوان اصلی‌ترین محدودیت در میان محدودیت‌های ساختاری برای توسعه بنگاه‌ها در MENA تأیید شده است. متغیرهای ساختاری از جمله دسترسی به منابع مالی و اندازه

معاونت بررسی های اقتصادی

وثیقه مورد نیاز برای دریافت وام، تأثیر معنی‌دار و منفی در ایجاد شغل بنگاه‌های MENA دارند. در میان محدودیت‌های ادراکی، دسترسی دشوارتر به منابع مالی منجر به رشد اشتغال کمتر از حدود ۳ درصد می‌شود. محدودیت فساد نیز تأثیر مشابهی دارد، اگرچه همیشه از نظر آماری قابل توجه نیست. در هر دو مورد، تأثیر بر بنگاه‌های MENA با سایر بنگاه‌های مناطق دیگر تفاوت ندارد. در بنگاه‌های MENA دسترسی دشوار به برق، تأثیر بسیار منفی قابل توجهی در تولید اشتغال به همراه دارد. تأثیر منفی و قابل توجه اثر برق برای بنگاه‌های MENA می‌تواند گویای این واقعیت باشد که بطور عینی، بنگاه‌های MENA بیش از بنگاه‌های کشورهای دیگر با قطع برق مواجه هستند.

با کنترل عملکرد کلان اقتصادی و محدودیت‌های ساختاری، عملکرد ضعیف بنگاه‌های MENA در مقایسه با بنگاه‌های کشورهای هم‌تا از بین می‌رود. نتایج حاکی از آن است که با توجه به شرایط ضعیف و نامناسب کلان اقتصادی و محیط کسب و کار، عملکرد بد بنگاه‌های MENA در مقایسه با هم‌تایان در سایر جهان از این محل قابل توضیح است. با این وجود، رابطه تأثیر محدودیت‌های ساختاری در تولید اشتغال بنگاه‌های MENA، غیر خطی است و مواردی مانند از دست دادن رقابت خارجی، عدم دسترسی به منابع تامین مالی و دسترسی ضعیف به برق نسبت به هم‌تایان خارجی، اثر بیشتری دارد.

جمع بندی

عملکرد کلان اقتصادی و بی‌ثباتی سیاسی تا حدودی اشتغال زایی پایین در MENA را در زمان بهار عربی توضیح می‌دهد. به طور کلی، عملکرد اشتغال بنگاه‌ها در MENA در طول مدت زمان مطالعه، در مقایسه با بنگاه‌های سایر کشورهای نوظهور و در حال توسعه ضعیف بوده است. در بنگاه‌های MENA اشتغال زایی پایینی در مقایسه با متوسط رشد سالانه ۴,۳ درصد در کشورهای مورد مقایسه وجود دارد. وقتی که وجود بی‌ثباتی سیاسی به عنوان بزرگترین محدودیت در شروع کسب و کار توسط بنگاه‌های MENA برجسته شد، این نتایج در بستر شورش‌های اجتماعی و سیاسی در چندین کشور منطقه تعجب آور نیست. در حقیقت، ایجاد اشتغال پایین در MENA می‌تواند با توجه به شرایط کلان اقتصادی نسبتاً دشوار آن در طول دوره مورد نظر توضیح داده شود. -رشد سرانه در MENA حدود ۲,۲ واحد درصد نسبت به کشورهای مورد مقایسه پایین‌تر بوده است - در حالی که عدم وجود رقابت خارجی نیز ایجاد اشتغال را محدود می‌کند.

عوامل ساختاری مختص منطقه، رشد بنگاه‌ها را محدود می‌کند. مطالعه نشان می‌دهد که عملکرد بنگاه‌های کوچک و متوسط در منطقه، ضعیف است و بنظر می‌رسد بخش خصوصی این منطقه در حال از دست دادن این بخش میانی پویاست. علاوه بر این، حتی پس از کنترل ویژگی‌های بنگاه‌ها و محیط کلان اقتصادی، بنگاه‌های MENA بیش از بنگاه‌های مناطق دیگر تحت تأثیر محدودیت‌های ساختاری قرار گرفته‌اند. در بین عوامل ساختاری، عدم دسترسی به منابع مالی، فساد و دسترسی ضعیف به برق منجر به ایجاد اشتغال کمتر در MENA شده است.

طراحی و اعمال سیاست‌هایی برای رفع نقاط ضعف ساختاری می‌تواند حتی در زمینه‌های دشوار سیاسی به اشتغال‌زایی کمک کند. سیاست‌های کلان اقتصادی و ایجاد یک محیط باثبات برای فعالیت بخش خصوصی به ایجاد اشتغال بیشتر در منطقه کمک می‌کند. این حداقل به اندازه بهبود موانع ساختاری برای ایجاد اشتغال در بخش



معاونت بررسی های اقتصادی

خصوصی مهم است. اما، MENA می تواند نتیجه قابل توجهی از بهبود محدودیت های ساختاری - با وجود آنکه در حال حاضر بیشترین کمبود را دارد- کسب کند. همچنین رفع محدودیت هایی که به طور نامتناسب بر بنگاه های اقتصادی کوچک و متوسط تأثیر می گذارد، به رشد بنگاه ها و ایجاد شغل کمک می کند. در دهه گذشته، بسیاری از کشورهای منطقه گام هایی به منظور ایجاد اصلاحات برای ارتقاء بخش خصوصی برداشته اند. با این حال، چنین اصلاحاتی زمان بر است و شواهدی وجود دارد که اجرای تغییرات مقرراتی لازم برای اعمال اصلاحات، کند بوده است.

